

بیستمین سال‌گرد خاموشی «بامداد» شاعر آزادی!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

احمد شاملو، زاده ۲۱ آذر ۱۳۰۴ در تهران؛ در خانه شماره ۱۳۴ خیابان صفی‌علیشاه بود. وی در عرصه‌های مختلف هنری، فرهنگ، اجتماعی و سیاسی فعال بود. شاملو علاوه بر شاعری، فیلم‌ساز، روزنامه‌نگار، پژوهش‌گر، مترجم، فرهنگ‌نویس و از دبیران کانون نویسندگان ایران نیز بود. تخلص شعری احمد شاملو «الف. بامداد» و «الف. صبح» بود.

در سال ۱۳۳۲ پس از کودتای ۲۸ مرداد علیه محمد مصدق و با بسته شدن فضای سیاسی ایران مجموعه شعر آهن‌ها و احساس توسط پلیس در چاپخانه سوزانده می‌شود و با یورش ماموران به خانه وی ترجمه طلا در لجن اثر زیگموند موریس و بخش عمده کتاب پسران مردی که قلبش از سنگ بود اثر مور یوکایی «مردی که قلبش از سنگ بود» بعد از ۵۰ سال منتشر شد.

همچنین تعدادی داستان کوتاه نوشته شاملو و کتاب‌ها و یادداشت‌های کتاب کوچک از میان می‌رود. با دستگیری مرتضی کیوان، نسخه‌های یگانه ای از نوشته‌هایش از جمله مرگ زنجره و سه مرد از بندر بی‌آفتاب توسط پلیس ضبط می‌شود که دیگر هرگز به دست نمی‌آید.

شاملو موفق به فرار می‌شود اما پس از چند روز فرار از دست ماموران در چاپخانه روزنامه اطلاعات دستگیر شده، به عنوان زندانی سیاسی به زندان موقت شهربانی و زندان قصر برده می‌شود. در زندان علاوه بر شعر، به بررسی شاهنامه می‌پردازد و دست به نگارش پیش‌نویس دستور زبان فارسی می‌زند. قصه بلندی به سیاق امیر ارسلان و ملک بهمن را می‌نویسد که در انتقال از زندان شهربانی به زندان قصر از بین می‌رود. مرتضی کیوان به همراه ۹ افسر سازمان نظامی حزب توده اعدام می‌شود و احمد در زمستان ۱۳۳۳ پس از تحمل یک سال حبس، از زندان آزاد می‌شود.

آیدا و شاملو در فروردین ۱۳۴۳ ازدواج می‌کنند و شش ماه در ده شیرگاه (مازندران) اقامت می‌گزینند. از آن پس شاملو تا آخر عمر در کنار آیدا زندگی می‌کند. شاملو در همین سال دو مجموعه شعر به نام‌های آیدا در آینه و لحظه‌ها و همیشه را منتشر می‌کند و سال بعد نیز مجموعه‌ای به نام آیدا: درخت و خنجر و خاطره! منتشر می‌شود. وی در سال ۱۳۴۵ برای سومین بار تحقیق و گردآوری کتاب کوچک را آغاز می‌کند و برنامه قصه‌های مادر بزرگ را برای بخش برنامه‌های کودک تلویزیون ملی ایران تهیه می‌کند.

«شاملو شاعری است که در همه لحظه‌ها در کنار مردم می‌ایستاد و با شهادت تمام شعر عشق و مبارزه می‌سرایید:

«من همدست تودام

تا آن دم که توطنه می‌کند گسستن زنجیر را

تا آن دم که زیر لب می‌خندد

دلش غنچ می‌زند

و به ریش جادوگر آب دهان پرتاب می‌کند.

اما برادری ندارم

هیچ‌گاه برادری از آن دست نداشته‌ام

که بگوید «آری»:

تا کسی که به طاعون آری بگوید و

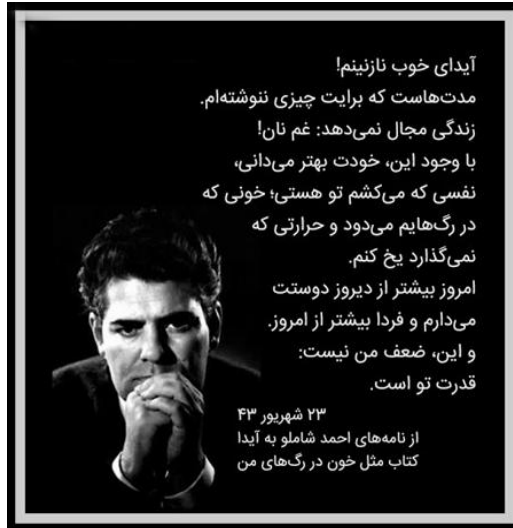
نان آلوده‌اش را بپذیرد.»

همین میل شاملو، به عدالت و آزادی است که سبب می‌شود وی نقش فرهنگی و اجتماعی خود را در حاکمیت دو رژیم سرکوبگر با سرافرازی ایفا کند. وی همواره، در راه آزادی بیان و قلم و عقیده و تشکل مبارزه کرد و همبستگی و حرکت‌های انسانی را راه‌حل مصائب و فلاکت مردم دانست. وی گفت:

«... من از درد خود نالیده‌ام و برای آزادی خود جنگیده‌ام، اما اگر درد من درد تو و دیگر هم بوده، اگر در من «درد مشترک» بوده پس در همان حال «درد مشترک» را فریاد کرده‌ام.»

به یک کلام باید گفت، شاملو، شاملو بود نه چیزی بیش و نه چیزی کم. باید او را آنچنان که هست دید که او خود، از بت‌سازی رویگردان بود.» (از پیش‌گفتار کتاب «چنین گوید بامداد شاعر» - ویژه‌نامه بامداد به یاد احمد شاملو - بهرام رحمانی)

سرانجام احمد شاملو پس از تحمل سال‌ها رنج و بیماری، در ساعت ۹ شب دوم مرداد ۱۳۷۹ (چند ساعت بعد از آن که دکتر معالجش او و آیدا را در خانه‌شان در شهرک دهکده فردیس کرج تنها گذاشت، درگذشت. و پیکرش در امامزاده ظاهر کرج، به خاک سپرده شده‌است. عشق، آزادی و انسان‌گرایی، از ویژگی‌های آشکار سروده‌های شاملو هستند. سنگ مزار شاملو را چندین بار توسط افراد ناشناس (شاید هم سربازان گمنام امام زمان) شکسته شده است.



گفت‌وگویی بهرام رحمانی با آیدا سرکیسیان همکار و همسر زنده‌یاد احمد شاملو *

*** خانم آیدای عزیز! مرگ شاملوی بزرگ را به شما با همه وجود تسلیت می‌گوییم و می‌خواهیم بپرسیم که شاملو عشق را چه‌گونه معنی کرد؟**

عشق برای‌اش جنبش و شور و حیات بود. آتش‌فشان شور زندگی عشق، به او نیرو و توان پرواز کردن و فتح قلعه‌های رفیع و غیرقابل دسترس را می‌داد. او را چشمه‌ای می‌کرد که: «هر تار جان‌اش را به سرودی تازه می‌نواخت.»

من و تو یکی شوریم
از هز شعله‌ای برتر،
که هیچ‌گاه شکست را بر ما چیره‌گی نیست
چرا که از عشق
روبینه‌تن‌ایم.

کتاب رسالت ما محبت است و زیبایی‌ست
تا زهدان خاک
از تخمه کین
باز نبندد.

*** ما شاملو را از شعرش می‌شناختیم، از ترجمه‌هایش و همه صداهایش. به راستی، شاملو به‌عنوان يك انسان چه‌گونه بود؟**

پرشور، پرکار، خلاق، جسور و بی‌پاک! کمال‌گرا! خوش‌سلیقه، همیشه آراسته، منظم و مرتب! دست و دل‌باز، نظریاز، باوقار، باعطوفت و پرمهر و فروتن! سخت‌کوش! با گذشت!
گاهی سخت بی‌حوصله و عجول، گاهی متحمل تا مرز طاقت‌زده‌گی! وهنی که به انسان می‌رفت بر نمی‌تابید و به کرامت آدمی در رشته بی‌انتهای معجزتی که اوست ایمان داشت.
همیشه خلاف جریان شنا می‌کرد. همیشه معترض بود. مبارزه را دوست داشت. همیشه در کارش اهتمام جدی داشت.

بعد از همه این‌ها سخت تنها بود، هرگز نمی‌توانستی به کنه وجودش پی ببری.

«توان غمناک تحمل تنهایی

تنهایی

تنهایی

تنهایی عریان.

و سکوت‌اش همه فریادها بود.

اگر می‌دیدیش دیگر ازش خلاصی نداشتی!

و چه خوش‌بختام من که چهل سال کنار این غول حیرت‌انگیز و زیر سایه‌اش زنده‌گی کردم و شاکرم که این بختیاری نصیبام گردید که با او بگریم و با او بخندم.
در زمان و مکان نمی‌گنجید.

* ابعاد کار عظیم شاملو پیش روی ماست، اما سنووال این است که او چه‌گونه به این همه کار موفق می‌شد، آیا شبانه‌روز برای او بیست و چهار ساعت بود؟

شبانه‌روزش بیست و چهار ساعت بود، ولی همه دنیا باز هم برای‌اش تنگ بود. استمرارش در کار، پشت‌کار حیرت‌انگیزش که خسته‌گی نمی‌شناخت و فقط کار ارضانش می‌کرد. در آن واحد چند کار دست‌اش بود. ترجمه می‌کرد، ویرایش می‌کرد، روی کتاب کوچک کار می‌کرد، چند کتاب را که این‌جا و آن‌جا باز بود، می‌خواند و یادداشت برمی‌داشت. موسیقی هم گوش می‌کرد. به موسیقی کلاسیک عشق می‌ورزید و با تمام روح‌اش آن را می‌نوشتید.
برای من در زنده‌گی فقط کار شاملو اهمیت داشت و هرگز برنامه‌ای که او را از کارش باز بدارد، نداشتم. همه مسئولیت زنده‌گی مشترک را پذیرفته بودم که با خیال راحت فقط به کارهایش بپردازد.

* همه می‌دانند که نه تنها بخش بزرگ زنده‌گی شاملو به‌صورت عام که هم‌چنین فرهنگ بزرگ کوچک به‌صورت خاص، مدیون حضور شماسست. کار عظیم فرهنگ کوچک چه‌گونه میسر شد؟ منابع‌اش چه بود؟ چه‌قدر کار طلبید؟

از اولین سال زنده‌گی مشترک ما، می‌دانید که قبل از آن هم از سنین نوجوانی شاملو به گردآوری مواد کتاب کوچک می‌پرداخته، منتها همین‌طور که در مقدمه کتاب کوچک نوشته، دو بار همه آن از میان رفت. و برای بار سوم از نو شروع کرد.

در طول نزدیک به چهل سال هر شنیده و خوانده‌ای را که به این کار مربوط می‌شد و می‌شود، یادداشت می‌کردیم: هر کلمه یا باور یا مثل یا دع، نفرین، خواب‌گزاری، اصطلاح و ... که به زبان مردم جاری بود، ولی آن را نه در مدسه آموخته بودیم نه در کتاب‌های آموزشی.

این کتاب آینه تمام‌نمای جامعه‌ایست که در این منطقه جغرافیایی زنده‌گی می‌کنند و طی قرون متمادی شکل گرفته و یک جریان زاینده و افزون‌شونده که هرگز نمی‌توانی بگویی پایان یافته چون مدام در زبان محاوره ساخته می‌شود و یک نوع هم‌بسته‌گی فرهنگی به وجود می‌آورد. گاهی ریشه‌ای تاریخی دارد گاهی ریشه‌ای مذهبی یا جغرافیایی.
کار سترگیست و عشق و علاقه و دقت زیاد می‌طلبند.

شاملو در سال‌های گذشته اغلب چهل و هشت ساعت یا بیش‌تر بیدار می‌ماند و کار می‌کرد، کار نفس‌گیر. از هر منبعی استفاده می‌شود، مثل قصه، رمان، تاریخ، سرگذشت، سفرنامه یا فرهنگ‌ها و کتاب‌های تخصصی. مثلاً ابزارآلات را فرض کنید که هر شیئی اسمی من‌درآوردی می‌گیرد یا در معماری سنتی که دریاییست از اصطلاحاتی که مردم ساخته‌اند.



*می‌دانیم و می‌دانید که مراسم به خاک سپاری شاملو، نه تنها در تاریخ ادبی ایران، که در تاریخ ادبی جهان نیز، حادثه‌ای استثنایی بود. آیا شما چنین حادثه‌ای را پیش‌بینی می‌کردید! آیا خود او هرگز به چنین روزی اندیشیده بود؟

نه هنوز به چنین روزی نیندیشده بودیم. مردم ما همیشه قدر دان و فروتن اند و ارزش‌ها پاس می‌دارند. و کسی را که تمام عمر برای فرهنگ این مرز و بوم از جان مایه گذاشت خوب می‌شناسند. شاملو آدم خوشبختی بود. چرا که سال‌ها بود که جایزه نوبل‌اش را از مردم خودش گرفته بود.

*این مصاحبه در سال ۲۸/۰۶/۱۳۷۹ - سپتامبر ۲۰۰۰ با هدف درج آن در کتاب «چنین گوید بامداد شاعر» - ویژه‌نامه بامداد به یاد احمد شاملو - صورت گرفت. بامداد نشریه ماهانه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بود. این کتاب در ۲۷۰ صفحه در قطع وزیری و شامل ۵۰ مقاله و شعر از شخصیت‌های ادبی و فرهنگی ایران، چه در داخل و چه در خارج از ایران، منتشر شده که با درخواست من (بهرام رحمانی) به‌عنوان سردبیر نشریه منتشر شده است. ناشر این کتاب، انتشارات آرش به مدیریت آقای مسعود فیروزآبادی در استکهلم است. در پیش‌گفتار این یادنامه چنین نوشته بودم: «یادنامه بخش‌های مختلفی دارد. بخش اول با شعر «در جدال با خاموشی» آغاز می‌شود و در بر گیرنده گفت‌وگویی است با خانم آیدا، زنده‌گی‌نامه، کتاب‌شناسی و بخش دوم (حاوی) مقالاتی است که برای این ویژه‌نامه نوشته شده‌اند. بخش سوم یادها و نکته‌هاست. بخش چهارم سخن‌رانی‌هایی هستند که سخن‌رانان در مراسم بزرگداشت شاملو در کشورهای مختلف یا در مراسم به‌خاک‌سپاری او در ایران ایراد کرده‌اند. ... بخش پنجم سروده‌هایی هستند که به یاد احمد شاملو سروده شده‌اند. بخش ششم از لابه‌لای کتاب‌ها نام دارد که در زمان حیات خود شاعر نوشته شده‌اند. بخش هفتم به شعر در آستانه اختصاص دارد. بخش پایانی لحظه‌ها و تصویرها، در بر گیرنده عکس‌هایی از لحظات گوناگون زنده‌گی او. این یادنامه را می‌توان جویباری دید که به‌سوی رود خروشان فرهنگی و اجتماعی در جریان است.»

یاد احمد شاملو و همه پیگارگران راه آزادی و برابری و عدالت اجتماعی گرامی باد!

پنج شنبه دوم مرداد ۱۳۹۹ - بیست و سوم ژوئیه ۲۰۲۰

*نشریه ماهانه «بامداد»، بین سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ به سردبیری بهرام رحمانی منتشر شده است. آخرین شماره این نشریه، تحت عنوان «چنین گوید بامداد شاعر» (ویژه‌نامه بامداد به یاد احمد شاملو)، در ۲۷۰ صفحه، در پاییز ۲۰۰۰، توسط انتشارات آرش منتشر شده است.